

Explaining the Principles, Methods and Effective Factors in the Styles and Educational Model of Mulla Sadra Practical Mysticism

ARTICLE INFO

Article Type

Analytical Review

Authors

Roya Booteh¹,
Najmeh Vakili^{2*},
Ali Mohebbi³

How to cite this article

Roya Booteh, Najmeh Vakili, Ali Mohebbi, Explaining the Principles, Methods and Effective Factors in the Styles and Educational Model of Mulla Sadra Practical Mysticism, *Journal of Islamic Life Style Centered on Health*. 2020;4(3):93-105.

1. PhD Student, Department of Philosophy of Education, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author).
3. Professor, Department of Educational Sciences, Amin University of Law Enforcement Sciences, Tehran, Iran.

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: njmeh_vakili@yahoo.com

Article History

Received: 2020/08/02

Accepted: 2020/10/12

ePublished: 2020/10/21

ABSTRACT

Purpose: The purpose of this study is to explain the principles, methods and effective factors in the styles and educational model of practical mysticism of Mulla Sadra.

Materials and Methods: In this study, by examining the texts related to Sadra's practical mysticism, concepts related to the principles, methods and effective factors in mystical education were identified, and it became clear that these concepts are logically related to each other and can be style and pattern. Explain Mulla Sadra's education and mysticism.

Findings: The results of this research in a descriptive and analytical method include the most important educational principles extracted from Mulla Sadra's mystical works and writings, which are: achieving self-knowledge, liberating the heart from material pleasures and belongings, attitude towards the combination of argument, mysticism and Quran, manifestation (Refinement of appearance), evacuation (inner transformation), persistence in good deeds to achieve good properties, moderation, gradual stages of self-perfection, educational justice and finally rationality for the existential excellence of the teacher, as well as the resulting educational methods are: introspection, remembrance God, clearing the mind, using the three proofs (argument, Qur'an and mysticism) in reaching the truth, active habit (self-indoctrination - self-imposition), giving insight, duty-making, meditation and self-calculation, austerity, duty to Appreciate the power of the educator, study wisdom.

Conclusion: Based on the findings, finally, the effective educational factors in Mulla Sadra's practical mysticism include: love of worship, reflection on the Holy Quran, obedience to the perfect man (divine world), parents, teacher, learner, worship and religious mathematics, wisdom and freedom It became science and knowledge.

Keywords: Practical Mysticism, Educational Model, Educational Principles, Educational Methods, Educational Factors.

تبیین اصول، روش‌ها و عوامل موثر در سبک‌ها و

الگوی تربیتی عرفان عملی ملاصدرا

رویا بوته^۱،

دانشجوی دکتری، گروه فلسفه تعلیم و تربیت، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

نجمه وکیلی^{۲*}،

استادیار، گروه علوم تربیتی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

علی محبی^۳

استاد، گروه علوم تربیتی، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران.

چکیده

هدف: هدف این پژوهش تبیین اصول، روش‌ها و عوامل موثر در سبک‌ها و الگوی تربیتی عرفان عملی ملاصدرا می‌باشد.

مواد و روش‌ها: در این پژوهش با بررسی متون مرتبط با عرفان عملی صدرا، مفاهیم مرتبط با اصول، روش‌ها و عوامل موثر در تربیت عرفانی شناسایی، و روشن شد که این مفاهیم در ارتباط منطقی با هم هستند و می‌تواند سبک و الگوی تربیتی و عرفانی ملاصدرا را تشریح و تبیین نماید.

یافته‌ها: نتایج این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی شامل مهمترین اصول تربیتی مستخرج از آثار و تالیفات عرفانی ملاصدرا، که عبارتند از: دستیابی به معرفت نفس، رهایی قلب از لذات و تعلقات مادی، نگرش به تلازم برهان، عرفان و قرآن، تجلیه (تهذیب ظاهر)، تخلیه (تحول باطن)، مداومت بر افعال نیک جهت حصول ملکات حسنه، اعتدال، تدریجی بودن مراحل کمال نفس، عدالت تربیتی و نهایتاً خردورزی جهت تعالی وجودی مترقی، همچنین روش‌های تربیتی حاصل عبارتند از: درون‌نگری، ذکر خدا، رفع خواطر، بهره‌گیری از ادله سه‌گانه (برهان، قرآن و عرفان) در وصول به حقیقت، عادت فعال (تلقین به نفس - تحمیل به نفس)، اعطای بینش، فریضه‌سازی، مراقبه و محاسبه نفس، ریاضت، تکلیف به قدر توان مترقی، تحصیل حکمت.

نتیجه‌گیری: بر اساس یافته‌ها نهایتاً عوامل تربیتی موثر در عرفان عملی ملاصدرا نیز شامل: حب عبودی، تأمل در قرآن کریم، تبعیت از انسان کامل (عالم ربانی)، والدین، معلم، متعلم، عبادات و ریاضات شرعی، حکمت و حریت و علم و معرفت شد.

واژگان کلیدی: عرفان عملی، الگوی تربیتی، اصول تربیتی، روش‌های تربیتی، عوامل تربیتی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۲۱

*نویسنده مسئول: njmeh_vakili@yahoo.com

مقدمه

عرفان عملی راه وصول به حق و مبتنی بر اعتقاد به خدا، وحی و حیات پس از مرگ، رابطه جسم و روح، رابطه دنیا و آخرت و کمال طلبی و کمال‌پذیری نفس انسانی است. از آنجا که مسئله اصلی در عرفان عملی تهذیب نفس و استکمال آن است، معرفت نفس در این مقوله دارای اهمیت ویژه‌ای است. بدون معرفت نفس و احوال آن، تهذیب نفس و مهار و هدایت آن ممکن نیست. از این رو، چنانکه در احادیث آمده است، معرفت نفس از سودمندترین دانش هاست. مراد از معرفت نفس شناخت هر فردی از احوال و شئون نفس خود از راه درون‌نگری، مراقبه و تأمل است تا با شناخت استعدادها، آسب‌ها و لغزش‌های نفس و راه‌های سقوط یا اعتدالی نفس، بتواند از لغزش دوری کرده، راه کمال را بی‌پیماید. (۱)

از این رو در عرفان عملی عارف در پی استکمال نفس و خودسازی است؛ اما باید دانست که فقط اعمال بدنی نیست که موجب کمال نفس می‌شود؛ بلکه کمال نفس بالذات به آن چیزی است که درون نفس رخ می‌دهد. عناصر بنیادی سلوک باطنی، همچون نیت، توجه، اخلاص، ایمان، حضور قلب، خشوع، حب و توبه، امور قلبی است؛ بطوریکه آنچه قلب را تیره و از حق دور می‌کند، امور درونی و قلبی است؛ مانند کفر، عناد، تکبر، غفلت و حب دنیا. در عرفان عملی تأکید بر سعی باطن، تصفیه خاطر، تجرید فکر و تنزیه نفس است. البته بین اعمال خارجی و جوارحی و امور قلبی و درونی، ارتباط و تاثیر متقابل است. از این رو فعل و ترک جوارحی نیز در این امر اثرگذار است و البته در عرفان عملی اساس درون است که اگر اصلاح شود اعمال هم اصلاح می‌شود. (۲)

بنابراین سلوک عرفانی، سفری روحانی است که مسافر آن قدم به قدم از عالم طبیعت و ناسوت دور و به عالم روحانیون نزدیک می‌شود و علم عرفان عملی راهنمای این سفر روحانی است.

تربیت نیز، اصطلاحی است که در معنای فراهم کردن موقعیت‌هایی برای رشد، بالندگی و وصول نفس به کمال بکار می‌رود. در واقع مراد از تربیت انسان، به فعلیت رساندن استعداد بالقوه اوست و چون کمال هر موجودی در شکوفایی و به فعلیت رسیدن استعدادها، بالقوه اوست، بنابراین در صورتی که انسان به صورت صحیح و در یک نظام تربیتی همه جانبه پرورش یابد، به کمال خود خواهد رسید. (۳)

به اعتقاد صدرا، افراد بشر در ابتدای وجود، فاقد صورت‌های علمی و ملکات اخلاقی هستند و پس از آغاز حیات در این دنیا است که در فرایند تربیت، به تحصیل کمالات علمی و اخلاقی می‌پردازند و به لحاظ هویت شخصی از دیگر افراد متمایز گشته، انواع متفاوتی می‌شوند. چنین امکانی از آنجا فراهم است که نفس در آغاز، عاری از هر صورت و فاقد هویت (شخصی و فردی) است. (۴) پس از کسب صورت‌های علمی و صفات اخلاقی است که فرایند خروج از قوه به فعلیت را تحقق بخشیده و تربیت می‌شود.

بنابراین می‌توان گفت که تربیت عرفانی و معنوی، نوعی از ساحت تربیتی است که در آن اصالت به تصفیه باطن و درون داده می‌شود، یعنی از طریق تربیت و تزکیه و ریاضات نفسانی، افراد به سوی تکامل خود پیش می‌روند. در نتیجه عرفان عملی یا سیر و

پاک نیت در پژوهشی با عنوان ((عرفان و عارف حقیقی از دیدگاه ملاصدرا))، به جایگاه و نقش عرفان در حکمت متعالیه، ویژگی های عرفان و عارف حقیقی و کاذب و تاثیر عرفان در انسان شناسی پرداخته است. وی، ویژگی هایی چون علم گریزی، دنیا دوستی، لذت گرایی، میل به ریاست، خودبزرگ بینی و مسئولیت گریزی را از نشانه های عارف نمایان دانسته و راه های رسیدن به کمال معرفت و عرفان حقیقی را انجام تکالیف شرعی و پیروی از شریعت و زهد در دنیا و محبت الهی و دوری از آلودگی ها و شهوات دنیوی می داند.

اسلامی نسلجی در تحقیق خود با عنوان ((مبانی نظری سلوک عرفانی از دیدگاه ملاصدرا و علامه طباطبایی)) به بیان چیستی سلوک عرفانی با تکیه بر نظر عرفایی چون ملاصدرا و علامه طباطبایی پرداخته و با اشاره به اینکه علامه طباطبایی بر روی خطوط فکری صدرا حرکت می کند، مقصد سلوک عرفانی صدرا را رسیدن به ساحت وجود بر محور معرفت و حکمت نظری می داند و از قرب الهی نیز در همین پارادایم صحبت می کند ولی آن را متفرع بر حکمت نظری و مباحث وجود شناسی می داند.

آسیادار در پژوهشی تحت عنوان ((پایامدهای تربیتی نظریه حرکت جوهری))، تاکید می نماید که سیر صعودی در تغییر و تحول موجودات عالم با توجه به نظریه حرکت جوهری، ضرورت وجود تربیت بویژه در سنین مختلف رشد و تغییر انسان را نشان می دهد. و بر اساس اصول نظریه حرکت جوهری، انسان را دارای قوه و استعداد پذیرش هر نوع تربیتی می داند به گونه ای که انسان هر صورتی را در تربیت برگزیند، ماهیت اصلی او را شکل می دهد، از این رو از نظر وی شناخت و معرفت صحیح، می تواند به این ویژگی خدادادی انسان، جهتی معنادار بخشد.

بابازاده و نوروزی در تحقیقی تحت عنوان ((تحلیلی بر اهداف و روش های تربیتی مبتنی بر کمال نفس از دیدگاه ملاصدرا))، رسیدن به مجرد عقلانی نفس را برای نیل به کمال ضروری می داند وی مراتب تکامل نفس را شامل دو نوع تکامل می داند که عبارتند از انسان طبیعی، نفسانی و عقلانی، همچنین برای نفس انسانی مراتب نفس نباتی، حیوانی و انسانی قائل می باشد، وی اهداف تربیت نفس را به دو دسته اهداف غایی و واسطه ای تقسیم نمی نماید او روش های تربیت نفس را تنها به رشد و پرورش حواس و تجربه محدود نکرده و عقلانیت را به تنهایی برای وصول به کمال کافی نمی داند و برای این منظور روش های، تهذیب و تزکیه نفس و روش های شهود و فیض الهی را برای رسیدن به این مقام لازم می بیند.

براتی در مقاله ای با عنوان ((عرفان از دیدگاه ملاصدرا))، از عرفان به عنوان راه معرفت و وصول به حق یاد می کند و به دیدگاه ملاصدرا در مورد عرفان می پردازد؛ وی مهمترین ویژگی عرفانی انسان را ابعاد انسان کامل می داند که هم به شهود و هم به برهان توجه دارد، عواملی که صدرا در دستیابی به کمال نهایی انسان از آن سخن می گوید عبارتند از: اراده، علوم و معارف الهی، معرفت و اینکه به هر اندازه که یک نفر با حقیقت متعالی وحدت پیدا کند به بساطت نزدیکتر می شود. و کمتر به فقدان دچار می شود و این است سر تقرب و کمال، و در هر تقریبی کمالی برای عارف وجود دارد.

سلوک عرفانی، برنامه ای تربیتی است که برای تربیت فرد، گام به گام طراحی ها و دستور العمل های لازم را ارائه داده است. در تربیت عرفانی، این انسان است که دارای اصالت است و اصلاح او از درون آغاز می شود و به نوعی اصالت باطن و فردگرایی الویت دارد. (۵) این ساحت تربیتی در صورتی منجر به رشد معنوی و روحی در بین انسان ها می گردد، که به هدف اصلی خود و تحقق کمال واقعی ایشان که همانا قرب الی الله است نائل شده باشد. (۶) از این رو می توان گفت که عرفان و سلوک حقیقی تلاشی است برای رسیدن به عالی ترین مقامی که برای یک انسان ممکن است. (۷)

ملاصدرا نیز کمال مطلق و سعادت نهایی انسان، را رجوع به ذات حق و رسیدن به قرب الهی می داند که در واقع مصداق این آیه شریفه است: انا لله و انا الیه راجعون. (بقره: آیه ۱۵۶)

از این رو اهمیت تعلیم و تربیت بویژه در زمینه تربیت عرفانی بدلیل تحولات مادی و نگرش های حاصل از آن در دنیای کنونی نیاز به نظام تربیتی منطبق بر نیاز های معنوی و دینی را هر چه بیشتر آشکار ساخته است. به طوریکه اگر فردی در جنبه های دیگر تربیتی رشد و پیشرفتی داشته باشد، بدون توجه به بعد معنوی و عرفانی آثار دیگر جنبه های تربیتی نمودار نخواهد گردید بر این اساس تبیین دیدگاه تربیتی به ویژه در زمینه عرفانی ملاصدرا، در میان فیلسوفان، متکلمان و عارفان اسلامی دارای اهمیت بالایی است، او نه یک فیلسوف محض، و نه یک عارف بی اعتنا به مباحث فلسفی است؛ بلکه معرفت و حکمت کامل نزد او آنست که از همه منابع اصیل معرفت، عقل، وحی و شهود عرفانی بهره مند باشد. عقلی که مویذ به وحی و شهود عرفانی نباشد راه به جایی نمی برد و شهودی که بریده از وحی و تاملات عقلانی باشد، مصون از شوائب نمی توان باشد و اتکا به نقل صرف نیز چیزی فراتر از علم تقلیدی نیست. و حاصل بهره مندی از همه ی این منابع معرفت، حکمت متعالیه است که در بردارنده فلسفه متعالیه، الهیات متعالیه و عرفان متعالی است وی غایت این حکمت را نیل به سعادت می داند که حاصل تحصیل معرفت الله است و جز با تعقل، تهذیب نفس و پیروی از شریعت بدست نمی آید. (۸) از این رو سبک تربیتی ملاصدرا منبعی غنی برای استخراج آموزه های تربیتی بویژه در بعد عرفان عملی است و بر این اساس آگاهی از اصول، روش ها و عوامل تاثیرگذار در تربیت عرفانی نیز ضرورت می یابد. با توجه به بررسی های انجام گرفته تاکنون تحقیقی مستقل، اعم از کتاب، مقاله یا پایان نامه که بتواند به تبیین اصول، روش ها و عوامل موثر در الگوی تربیتی عرفان عملی در قالب الگوی نظری و کاربردی از دیدگاه ملاصدرا پردازد صورت نگرفته است، حال آنکه اهمیت و محوری بودن این مفاهیم، حاکی از آن است که پژوهش در این باب می تواند به شکل قابل ملاحظه ای برای دستیابی به نظریه تربیتی عرفان عملی مبتنی بر آراء فلسفی و اسلامی راهگشا باشد و با مطالعه آن می توان نکات تربیتی ارزشمندی را استخراج کرده و در اختیار مربیان تربیتی قرار داد.

از میان تحقیقاتی که موضوعاتی نزدیک با موضوع پژوهش حاضر داشته اند می توان به چند نمونه از آنها اشاره نمود:

یافته ها

- اصول تربیتی مطرح شده در عرفان عملی ملاصدرا کدامند؟
به منظور استخراج اصول تربیتی از میان آثار و تالیفات عرفانی ملاصدرا، لازم است، ابتدا تعریفی از اصول تربیتی عرضه، و سپس به معرفی موارد استخراج شده اقدام شود.

در تعریف اصول لازم به ذکر است، مفهوم اصل به معنای یک قضیه ی کلی است که پایه شکل گیری قضایای فرعی قرار می گیرد. بدین ترتیب مبنا به معنی مجموعه حقایق و علوم، حاوی اصولی است که برخی در حوزه نظر و برخی در حوزه ی عملی کاربرد دارند و می توان بر پایه این اصول، متناسب با ماهیت هر کدام فروعی را در همان حوزه ترسیم نمود. (۱۰)

باقری معتقد است که: (معنای اصل) در علوم کاربردی (مانند تعلیم و تربیت) ((قاعده عامه)) ای خواهد بود که می توان آن را به منزله دستورالعملی در نظر گرفت و از آن به منزله ی راهنمای عمل استفاده کرد، (بر این اساس) اصل در علوم کاربردی، به صورت قضیه ای بیان می شود که حاوی باید است، (پس) هنگامی که از اصول تعلیم و تربیت سخن می گوئیم، باید خود را محدود به بیان قواعدی کنیم که به منزله راهنمای عمل ما در تدابیر تعلیمی و تربیتی، ما را هدایت می کنند)). (۹)

از این رو، اصول تربیتی که می توان از مجموعه مباحث حکمت متعالیه صدرا استخراج نمود، متعدد و فراوانند؛ اما آنچه در وسعت و مربوط به موضوع این پژوهش است، اصولی تربیتی است که مربوط به عرفان عملی ملاصدراست که به شرح ذیل تبیین می گردند:

- دستیابی به معرفت نفس

بیان جایگاه معرفت نفس در عرفان ملاصدرا می تواند نشانه ای برای تشخیص یک نظام معرفتی و عرفان حقیقی از دیدگاه او باشد. ملاصدرا معتقد است معرفت النفس، کلید معرفت حقایق موجودات (۱۱) و در کنار معرفه الله محور علم یابی به حقیقت همه ی اشیاء است. معرفت نفس در سلوک و معرفت، مواجهه با پروردگار جایگاه مهمی دارد و مقدمه و شرط رسیدن به آن بیان شده است. زیرا اولاً بواسطه ی آن، معرفت به غیر حاصل می شود و جهل در معرفت نفس، جهل به همه ی امور را در پی دارد و ثانیاً از آنجا که نفس انسانی مجمع همه ی موجودات است، هر که نفس انسانی را بشناسد همه ی موجودات را شناخته است. (۱۲) پس می توان معرفت به نفس را نردبان عروج به بام معرفت دانست که دارای شایستگی های فراوانی برای نیل به حقایق هستی است. او درباره ی چرایی اصل هر معرفت بودن شناخت نفس می گوید عالم اگر حقیقت خود را نشناسد، نمی تواند به وصف او که علم است و به متعلق آن که معلوم است، پی ببرد. (۱۳) همچنین ملاصدرا علم نفس را اصل و رکن علم معاد دانسته و آن را مهمترین پایه ی عرفان و حکمت و مهمترین علم بعد از معرفت خدا می داند. (۱۴)

- رهایی قلب از تعلقات و لذات مادی

از نظر ملاصدرا، راه وصول به معرفت و کشف حقیقت، آزادی از تعلق به بدن و لذات مادی است چرا که ماده، مانع بزرگی برای شناخت محسوب می شود و برای فهم تمام حقایق نیاز است تا انسان

با بررسی پژوهش های انجام شده در رابطه با مقوله تربیت و عرفان از دیدگاه محققان سعی بر آن شد تا موضوع مورد پژوهش با نوآوری بیشتری تبیین شود. از این رو با بررسی و نگاه کلی و تحلیلی به آثار و تالیفات عرفانی ملاصدرا موفق به کشف دیدگاه های او در زمینه پژوهش حاضر شدیم.

سوالات پژوهش:

- اصول مطرح شده در سبک ها و الگوی تربیتی عرفان عملی ملاصدرا کدامند؟

- چه روش هایی را می توان از سبک ها و الگوی تربیتی عرفان عملی ملاصدرا کشف کرد؟

- عوامل موثر در سبک ها و الگوی تربیتی عرفان عملی ملاصدرا کدامند؟

مواد و روش ها

از آنجا که جایگاه موضوع این تحقیق در حیطه فلسفه تعلیم و تربیت می باشد، لازم است جهت ارائه آن از روش های معمول در مطالعات تربیتی استفاده شود. در پژوهش و تحلیل مباحث تربیتی، عموماً از روش های مشخص و مشترکی استفاده می شود، با این هدف که یافته های مشخص و قابل تبدالی بتوان ارائه نمود. از جمله این روشها، روش توصیفی و تحلیلی از نوع تحلیل مفهومی است. پژوهش حاضر توصیفی است؛ به این خاطر که هدف محقق از انجام این پژوهش، توصیف عینی، واقعی و منظم یک موضوع تحت عنوان سبک ها و الگوی تربیتی عرفان عملی از دیدگاه ملاصدرا می باشد. تحلیلی است به این جهت که هدف از آن تبیین، تحلیل و بررسی (اصول، روش ها و عوامل تربیتی در عرفان عملی ملاصدرا) است. از این رو در این روش، مفاهیم به صورت تحلیلی مورد بررسی قرار می گیرند تا عناصر معنایی یک مفهوم، روابط میان این عناصر و روابط میان کل یک مفهوم با سایر مفاهیم که به نحوی با آن ارتباط دارند. مورد کاوش قرار گیرند. (۹). برای دستیابی به اهداف مورد نظر این پژوهش به وسیله روش مذکور، ابتدا منابع اصلی مربوط به بحث، از میان آثار ملاصدرا تهیه شد و مطالب مرتبط با موضوع تحقیق مورد مطالعه قرار گرفت، سپس منابع مختلف دیگری که پیرامون موضوع مورد بحث بوده اند یا به مباحث این پژوهش مربوط بودند، که شامل محتوای کتب تربیت اسلامی، نتایج پایان نامه ها و مقالات مرتبط یا نزدیک به موضوع پژوهش از بعد تربیتی و عرفانی بررسی و پس از بررسی و تجزیه و تحلیل اطلاعات بدست آمده از پژوهش حاضر بر اساس تالیفات صدرالمتألهین و نتایج پژوهش های مرتبط پیشین در این زمینه، نهایتاً اصول، روشها و عوامل موثر در سبک ها و الگوی تربیتی عرفان عملی ملاصدرا تبیین و استخراج شد.

به عبارت دیگر انجام کارهای نیک و بد در ظاهر ملکه ای در نفس پدید می‌آورد که آن ملکه تبدیل به صفات رذیله یا حسنه می‌شود و در باطن انسان ثبات می‌یابد و در احوال قلب تاثیر می‌گذارد (۱۸).

- تخلیه (تحول باطن)

با توجه به دومین مرتبه از مراتب عقل عملی مورد نظر ملاصدرا، تهذیب باطن و تطهیر قلب از صفات و اخلاق رذیله و ناپسند امری ضروری است.

از این رو زمانی که ظاهر بر باطن تاثیر گذار است، باطن نیز بر ظاهر اثر خواهد گذاشت. چنانچه اگر جوهره انسان اصلاح شود، بر اساس جوهری بودن حرکت، صورت و رفتار انسان نیز اصلاح خواهد شد (۱۹)؛ و اینچنین است که هر بذری در دوزن و دل پاشیده شود، اثرش بر شاخ و برگ و پوست بیرونی نمایان خواهد شد (۹).

- مداومت در افعال نیک جهت نیل به ملکات حسنه

صدرا رمز موفقیت در تربیت نفس را تکرار افعال نیک و مداومت بر آن می‌داند و معتقد است این کار، خصوصا در آغاز تربیت، موجب می‌شود فعل در نفس همانند نقش حک شده بر لوح سنگی محفوظ بماند (۲۰). هر فعل در اثر تکرار و مداومت بر انجام دادن آن، تبدیل به ملکه راسخ می‌شود و این ملکات همان اموری هستند که صورت اخروی انسان را رقم می‌زنند. واضح است که با همین روش، تکرار افعال شهودی و غضبی و تکرار اعمال جسمانی قبیح نیز منجر به تعلق نفس به امور پست مادی و الفت به حجاب‌های ظلمانی می‌شود که سد راه معرفت آدمی می‌گردد (۲۱).

- اعتدال

داشتن اعتدال به معنی مواظبت بر حد وسط در امور، از جمله مهمترین تدابیر تربیتی است که حد افراط و تفریط در مقابل آن قرار دارد.

صدرا، در کتاب ((کسر اصنام الجاهلیه)) در مورد سلامت مزاج و روح و آنچه که می‌تواند در سلامت و اعتدال، این دو نقش داشته باشد، بیان کرده که، بدن انسان دارای حالتی مزاجی است که اگر از حد اعتدال، خارج نشود، تعادل و سلامت طبیعی آن به حال خود باقی می‌ماند، اما در صورتی که بدن از حد اعتدال منحرف شده، به فساد و درماندگی مبتلا شود در معرض دردها، آفت‌ها و بیماری‌ها قرار می‌گیرد. از نظر او، روح نیز در صفات باطنی و اخلاقی نفسانی خود، این چنین است. وقتی روح از حد اعتدال خارج شود و در اخلاق و صفات شهودی غضبی و فکری به افراط و تفریط بیفتد، دچار بیماری‌های باطنی و نیز گناهیانی که بر باطنش مستولی شده است، می‌شود که نتیجه اش، عدم پایداری روح، هلاک اخروی و عذاب سرمدی است (۱۸).

- تدریجی بودن مراحل کمال نفس

با توجه به نظر ملاصدرا، وجود و ماهیت انسان امری ثابت و از پیش تعیین شده نیست، بلکه همچون امر متحرک و سیالی در نظر گرفته می‌شود، ملاصدرا، انسان را در فرایند تکوین نفس، موجودی مختار و آزاد می‌داند، بر اساس اصالت وجود و حرکت تدریجی و تکاملی نفس، تنها انسان است که در هیچ مرحله محبوس نمی‌شود بلکه می‌تواند از مراتب گوناگون گذشته و آزادی حرکت در تمام

خود را از اشتغال به امور بدن و امور مادی آزاد نماید تا به مقام تجرید رسیده و تمام حقایق بر او مکشوف شود (۱۵).

به اعتقاد صدرا هر مرتبه‌ی وجودی دارای امور دل‌پذیری است که اگر چه در ابتدای راه و برای وصول به آن رتبه مورد استفاده قرار می‌گیرند و از جمله عوامل ایجاد کننده انگیزه برای نیل به آن رتبه محسوب می‌شوند؛ اما در طول حرکت و برای گذر از آن مرحله نیاز به دل‌کنند از آن تعلقات و امور دل‌پذیر است، ملاصدرا بارها در مقدمه اسفار خود به این نکته توجه داشته و همواره سالکان راه، را به آزادی از تعلقات فرا می‌خواند و از آن‌ها به خوشی‌های زودگذر یاد می‌کند که موجبات سرور عقلی را فراهم نمی‌آورند.

- نگرش به تلازم برهان، عرفان و قرآن

عقل، وحی و شهود به عنوان سه منبع معتبر در کسب معرفت مورد قبول اسلام هستند، از این رو دعوت به تفکر و تعقل، توصیه به تصفیه دل برای دریافت معرفت و بصیرت و دل سپردن به ندای وحی و تعالیم پیامبران در قرآن کریم مورد تاکید قرار گرفته است. بر این اساس، همسویی و هماهنگی عقل، وحی و شهود، با فلسفه‌ی دین و عرفان از همان آغاز شکل‌گیری فرهنگ و معارف اسلامی از سوی بسیاری از عالمان جهان اسلام تعقیب شد. اما نقطه‌ی اوج این جریان در حکمت متعالیه ملاصدراست (۱۶).

نزد ملاصدرا، معرفت معتبر و کامل آن است که با استفاده از هر سه طریق یاد شده حاصل گردد. عقل بدون کشف و کشف بدون تایید عقل و علم نقلی بدون پشتوانه‌ی عقلی و کشفی ناتمامند. به بیان ملاصدرا فرق علم نظری با معرفت شهودی مانند فرق بین فهمیدن معنای شیرینی و چشیدن آن است و رسیدن به حقایق ایمان جز از راه تصفیه‌ی دل ممکن نیست. از طرف دیگر، عرفان نیز بدون تاملات عقلانی و هدایت‌های وحیانی نمی‌تواند تمام باشد. اگر چه عرفان نظری ابن عربی دارای بعد عقلانی و نظری است، اما در عرفان مورد نظر ملاصدرا، بیش از آنکه به عقل به عنوان منبعی برای معرفت توجه شود از آن به عنوان وسیله‌ی برای انتقال معارف به غیر استفاده می‌شود. صدرا تاکید می‌کند که فلسفه‌ی او مبتنی صرف بر کشف یا تقلید از شریعت بدون حجت و دلیل نیست. نه شهود صرف و نه مجرد بحث برای سالک راه معرفت، کافی نیست و هر یک بدون دیگری ناقص است. شریعت نیز مصادم با معارف یقینی نیست و فلسفه‌ی ای که مطابق با کتاب و سنت نباشد، مردود است (۱۷).

- تجلیه (تهذیب ظاهر)

صدرا المتالیهین از رابطه‌ی نفس و بدن با عنوان ترکیب اتحادی یاد می‌کند، در واقع در اثر نوع ارتباط میان نفس و بدن می‌توان از تاثیر و نقش آفرینی افعال بدنی و حالات ظاهری بدن در نفس انسان سخن گفت. وی اولین مرتبه از مراتب عقل عملی را در به کمال رساندن عقل نظری، تهذیب ظاهر یا به کاربردن شریعت الهی و آداب نبوی دانسته است. هم چنین معتقد است سرآغاز پیدایش احوال نیکو در آدمی، افعال نیکویی است که از او سر می‌زند؛ همان طور که مبدا صفات نکوهیده، کارهای ناپسند و زشت انسان است. در نتیجه اعمال و افعال انسان چه خوب و چه بد، چه از حیث گفتار و کردار و یا تفکر و اندیشه او، یک صفت در نفس و باطن ایجاد می‌کند؛

گزاره های جزئی انشائی و توصیه ای که راه های رسیدن به اهداف تربیتی را باز می نمایند». از این رو روش های تربیتی عرفان عملی ملاصدرا به شرح ذیل می باشد:

- درون نگری

ملاصدرا از درون نگری به عنوان یکی از منابع معرفت یاد می کند، وی این مطلب را به دو طریق وی بیان می نماید. یکی مسئله بدیهیات و اقسام آن، و دیگری مسئله علم حضوری به عنوان علمی که در برابر علم حصولی قرار می گیرد. ملاصدرا زمانی که بدیهیات را تعریف می نماید آن را به اقسام شش گانه تقسیم می کند، و یکی از انواع بدیهیات را ((وجدانیات)) می نامد.

در حکمت متعالیه، اموری مانند شجاعت، ترس، علم به خود، لذت و درد را از امور وجدانی و درونی می دانند و معتقدند برای درک این امور به مشاهده و دیدن نیاز است. اما مشاهده نه به کمک حس ظاهری مانند چشم، بلکه بواسطه ی حس درونی و مشاهده ی درون باید صورت گیرد.

ملاصدرا از وجدانیات به عنوان یکی از انواع بدیهیات نام می برد. صدرا چه در تقسیم بدیهی به انواع آن، و چه در مباحث دیگر، از این نوع علم به عنوان یک علم ضروری و بدیهی نام می برد. او در تقسیم بدیهی یکی از انواع آن را ((مشاهدات)) می نامد (۲۵) اما چنان که همه منطقی دانان مسلمان معتقدند مشاهدات همان محسوسات است که به حواس ظاهر و باطن تقسیم می شود و اموری که با حواس باطن کسب می شود را وجدانیات می نامند، که مبتنی بر مشاهده دورن هستند. بنابراین صدرا بر وجدانیات، به عنوان اموری مبتنی بر مشاهده ی درون یا درون نگری تأکید دارد و لذا باید اظهار کرد که درون نگری در بین آن ها از منابع معرفت محسوب می شود. بنابراین، سخن از علم حضوری و ویژگی آن یکی از دیگر مواردی است که می توان به روشی دیدگاه ملاصدرا را پیرامون مسئله درون نگری یا شهود درونی استنباط کرد. در واقع سخن از علم حضوری تأکید ایشان را در مورد مراجعه به درون برای شناسائی درونی و کسب معرفت درونی آشکار می سازد. درون نگری در فلسفه ی ملاصدرا به قدری حیاتی است که برخی شارحان حکمت متعالیه اساساً تحول بنیادین این مکتب فکری را مرهون شهود های روحانی ملاصدرا می دانند.

- رفع خواطر از قلب

به اعتقاد علمای اسلامی، جوهر ناطق انسانی، قلب حقیقی به شمار می رود. قلب مانند هدفی است که از هر سو، به سوی تیری پرتاب می شود، این تیرها می تواند از حواس درونی مانند شهوت، غضب، خیال و اخلاق زشت که هر یک اثری بر دل می گذارد باشد و آن را متحول نماید.

به اعتقاد ملاصدرا نخستین چیزی که وارد دل می شود ((خواطر)) نامیده می شود، دومین چیز که در پی خواطر ایجاد می شود، هیجان رغبت نسبت به آن خواطر است، و سومین آن حکم دل می باشد بر اینکه آیا آن خاطر شایسته عمل است یا نه، چهارمین آن تصمیم بر توجه و التفات به محتوای خاطر یا انصراف از آن است. ورود خواطر در دل انسان به دو صورت اتفاق می افتد؛ اولین آن نوعی است که انسان را به شر دعوت و بدان وادار می نماید، و دومی

مراحل تکامل خویش را دارد. (۲۲) نفس تدریجاً و پا به پای بدن، کمال و فعلیت می یابد و به مدد مکسبات و افعالش ساخته می شود. (۲۳) انسان با افعال خود، در واقع حقیقت و جوهره خویش را می سازد، تا حدی که شکل گیری حقیقت انسان بر اساس آن جوهره خواهد بود و با همان حقیقت هم در عرصه دیگر محشور می شود.

- عدالت تربیتی

منظور از عدالت در این مبحث، تقویت توانایی های تک تک افراد و ایجاد فرصت های برابر برای ارتقای هر یک، از آن هاست. از ویژگی های نفس انسان این است که در معلومات اکتسابی خود، تصرف می کند و از معلومی به معلوم دیگر منتقل می شود و از مقدماتی که فراهم آورده، نتایج را استخراج می کند و عمل خویش را متناسب با آن جهت دهی می نماید. (۱۲) نفس به واسطه قوای ادراکی خود از جهان خارج منفعل شده، پذیرای صور ادراکی می شود و پس از پذیرش و انتقال، آماده انجام دادن افعال متناسب با آن مدرکات می شود. حال اگر انعطاف و انفعال اولیه با تاثیرپذیری از صور نورانی و رحمانی باشد و هم چنین صور حاصل شده نیز متناسب با استعداد و توانایی های فردی شکل گیرد، حرکت و فعل نفس نیز متناسب با آن صور کریمه و روحانی می شود. اما اگر صور پذیرفته شده، ظلمانی و شیطانی و یا بدون لحاظ استعداد و ظرفیت وجودی متربی باشد، فعل نفس نیز در بردارنده ظلمات و تیرگی ها خواهد بود. (۱۸)

- خردورزی جهت تعالی وجودی متربی

خرد و عقل، دلیلی برتر و نزدیکتر به مطلوب از دلیل نفس دارد؛ زیرا نفس برای حرکت، تدبیر و اراده به ماده وابسته است اما عقل و خرد در به کمال رسیدن از این وابستگی ها دور است؛ محکم ترین دلایل بر مقصود و نزدیکترین راه برای رسیدن به معبود است. (۲۴)

حقیقت انسان بواسطه عقل که عنصری اساسی است تحقق می یابد، و نفس انانیت با آن به کمال می رسد و جوهره و حقیقت با خرد و عقلانیت به منضم ظهور می رسد. بدین ترتیب مبنای انسانیت انسان، کمال نفس، فعلیت یافتن آن و اساس همه کارها به شمار می آید. و ارزش آدمیان با ملاک عقل و خرد سنجیده می شود. پس تا زمانی که جوهره خود را به مرحله عقل و عقلانیت، علم و عالم، نرسانده و هنوز از مشاهده حقایق به دور است، انسانیت او به مرحله فعلیت نرسیده است. جوهر نفس از نظر ذات و فطرت خویش مستعد است که به وسیله عقل نظری راه کمال پیماید و ذات خویش را به فروغ و جلوه هایی از درون ذات و از ناحیه مافوق ذات مشتعل سازد و به وسیله عقل عملی از آفات و ظلمات رهایی یابد. از این رو توجه به بعد عقلانی جهت تعالی وجودی متربی امری ضروری است.

- چه روش های تربیتی را می توان از عرفان عملی ملاصدرا کشف کرد؟

برای این منظور باید ابتدا تعریفی از روش ارائه نمود، روش ها را می توان راه رسیدن به یک هدف تربیتی دانست، که در قلمرو تعلیم و تربیت به عنوان یک علم دستوری و کاربردی در بردارنده مفهوم باید است و می توان آن را یکی از گزاره های باید شناختی در تعلیم و تربیت دانست. بنابراین روش های تربیتی عبارتند از: « مفاهیم و

پديد آيد. تلقين قولی حاکی از موقعیتی است که گفته های فرد، بسته به منفی یا مثبت بودن آن، حالات منفی یا مثبت در نفس به وجود می آورند. از این رو، تلقين قولی مثبت در امر تعليم و تربيت توصیه می گردد. مقصود از روش تربيتی تلقين فعلی آن است که با آشکار ساختن عملی در اعضا و جوارح، سایه و ظنين آن عمل را به درون بيفکنيم. هر گاه تلقين قولی و فعلی در هم آميزند، تأثيری مضاعف به بار می آورند که برجسته ترين اين آميختگی نماز است. (۹)

در روش تحميل به نفس باطن انسان توسط ظاهر وی ساخته می شود و از برون و ظاهر تربيت بر او تحميل می شود. تحميل در جایی مصداق پيدا می کند که کراهت وجود داشته باشد. هنگامی که به رغم گریز و کراهت باطن، اعضا و جوارح به انجام عملی وادار شوند، از روش تحميل به نفس استفاده می شود. طبق این روش، باطن رميزد و بی رغبت را می توان با حرکات اندام به بند کشيد و آن را رام و راغب گرداند. (۹) بر این اساس به طور کلی انجام اعمال و عبادات و تکالیف شرعی در تکامل نفس آدمی و رسيدن او به قرب الهی تأثير زيادی دارد، در نتیجه اعمالی مانند روزه، نماز و حج و ساير اعمال و عبادات باعث از بين رفتن امراض درونی قلب و نفس و پاک کردن زنگار صفات ناپسند می گردد، طوریکه مثلاً، روزه، قوت شهوت را کم می کند و حج تمسک روح به حضرت حق و توجه از بيت نفس به بيت الله و کعبه مقصود است. زکات، صرف توجه نفس از دنیا به آخرت است. جهاد، دفع دشمنان خدا و متوجه کردن نفس است به اینکه آن مال و اهل و ولد را در راه خدا صرف کند و روح را از دنیا منقطع و متوجه عقبی نماید. (۲۹)

- اعطای بينش

مهم ترين روش اصلاح باطن برای تأثير گذاری بر ظاهر، اعطای بينش و نگرش های کلی نسبت به هستی آدمی و نیز اوضاع پيرامونی وی است. اين بينش ها می توانند درون فرد، ایجاد تحول نماید و باعث دگرگونی باطن وی گردند.

بينش حکايت از نوعی آگاهی ژرف و گسترده دارد که موجب پيوند آدمی با واقعيت مورد نظر می گردد که خود می تواند محصول خودشناسی حاصل از درون نگری فرد باشد. بر این اساس، اعطای بينش تلقی فرد از امور را دگرگون می نماید و به تعبیر دقيق تر نگرش آدمی را از سطح مسائل به عمق و از ظاهر آن ها به باطنشان رهنمون می گردد. چنانکه استفاده از این روش را در سلوک شخصی و شخصیتی خود صدرا نیز می توان مشاهده نمود، آنجا که به تعبیر وی در مواجهه با حقایق از سطح دانستن طعم شیرینی حقیقت به عمق چشيدن طعم شیرینی آن نائل می گردد.

- فریضه سازی

روش فریضه سازی در راستای اصل مداومت در تکرار افعال نیک جهت کسب ملکات راسخ که می تواند به هویت آدمی ساختنی نیکو بخشد، مطرح می گردد. در این روش ابتدا اعمالی نیک و تأثير گذار انتخاب شده و به صورت فریضه در می آیند. انجام مکرر آن ها به صورت فریضه می تواند بر نحوه ی شکل گیری و ظهور شاکله آدمی تأثيرگذار باشد.

از این رو اصلاح اخلاق نیکو و کسب ملکات نیکو، و پاک کردن دل از خوی های زشت، تنها و تنها یک راه دارد، آن هم عبارت است

نوعی که انسان را به خیر می کشاند، اولی خاطر مذموم است و سواس نام دارد اما دومی؛ خاطر محمود است که الهام نامیده می شود. از این رو ملاصدرا برای رسيدن به تهذيب نفس و صفای قلب، رفع خاطر را توصیه کرده است. (۲۶)

- ذکر

ملاصدرا در مقام تعريف ذکر و نتیجه ی مترتب بر آن می گوید: مقصود از ذکرى که در سلوک عرفانی مطلوب است، آن است که سالک، خداوند متعالی را به زبان یاد نماید، در حالی که قلب و روح و تمامی قوای ادراکی اش نیز حاضر باشند؛ به نحوی که بنده به کلیت خود متوجه پروردگارش باشد که نتیجه ی آن نفی خواطر و انقطاع حديث نفس از اوست.

ملاصدرا معتقد است ذکر خداوند، مراتب دارد که هر مرتبه ای نیز، اثری مخصوص به خود دارد؛ این درجات عبارتند از:

- ذکر زبان: که همان اقرار زبانی است و نتیجه آن، حفظ جان و امنیت مالی است. - ذکر ارکان: که عبارتست از اشتغال جوارح بدن به طاعات و عبادات، و نتیجه آن رسيدن به ثواب های بهشتی است.

- ذکر نفس: که عبارتست از تسليم شدن نفس در برابر اوامر و نواهی الهی، و نتیجه آن نور اسلام است. - ذکر قلب: تبدیل اخلاق نکوهیده و تحصيل ملکات پسندیده، که نتیجه آن محبت به حق تعالی، و اتصال به جناب اوست. - ذکر روح: فرو رفتن در ذکر و محبت الهی است که نتیجه ی آن حصول معرفت توحیدی و تقرب، به اوست. - ذکر سر: ارزانی داشتن وجود خود و فناء فی الله است که نتیجه آن شهود جمال حق تعالی و بقای به اوست. حقیقت ذکر که در آن ذکر، ذکر و مذکور متحدند، همین مرتبه اخير است که در واقع غایت کمال است. بالاترين مرتبه ذکر زمانی محقق می باید که مذکور به شدت در قلب ذاکر جای گرفته باشد؛ به گونه ای که قلب ذاکر نه تنها به ذکر خود توجه نداشته باشد، بلکه به خود ذاکر، یعنی قلب نیز توجه نکرده، به کلی غرق در مذکور باشد. (۲۷)

- بهره گیری از ادله سه گانه (عرفان، برهان و قرآن) در وصول به

حقیقت

صدرا در آثارش، روش برهان را راه مقبول و مطمئنی برای دست یابی به حقیقت دانسته است. از سویی او از وحی نیز بهره های فراوانی می برد و قرآن را عین حکمت و همان نور و عقل بسیط می خواند و وجه هدایتی آن را به همین خاطر می داند. وی از نیازمندی شهود به برهان عقلی سخن گفته است و به محدودیت عقل و توسل جستن به وحی در این زمینه اشاره می کند. او تفکری که تنها استدلال و برهان را مسیر رسيدن به حقیقت می داند یا تنها به شهود تکیه می کند، را مسیر مستفلسین و منحرفین دانسته و تمامی این مسیرها را ظلمانی تلقی می کند. بنابراین بهره گیری از هر سه ادله در کنار هم، در آثار ملاصدرا تنها جهت تاييد نبوده، بلکه هر کدام در عین استقلال روشی، دیگری را می طلبد. و در این میان اصالت را از میان آن سه به قرآن داده و دو نوع دیگر را از وحی انفکاک ناپذیر می داند. (۲۸)

- عادت فعال (تلقين به نفس و تحميل به نفس)

این دسته از روش ها ناظر به تدبير وضعیت های بدنی، قولی و اعمال آدمی است. تلقين به نفس به این معناست که از طریق تلقين قولی و زبانی، تلقين فعلی و تلقين قولی - فعلی تغییرى به مقتضای آن در نفس

شود، هم کشف تام حقایق هستی در این مسیر تحقق می یابد و هم زمینه سازی تحقق ایمان بدین وسیله صورت می پذیرد. با توجه به همه این ها ملاصدرا معتدل ترین روش سلوک برای نیل به مقصد نهایی کمال و درجات جنود الرحمان را ریاضت و مجاهده ی نفس می داند. ملاصدرا روشهای صحیح ریاضت عرفا را به شرح ذیل معرفی می نماید:

توبه:

از نظر ملاصدرا، توبه یعنی تصمیم بر عدم بازگشت به گناه و پشیمانی بر گذشته و رد مظالم و راضی نمودن کسانی است که بر آنان تعدی شده است؛ زیرا تا حجاب های معاصی بدین طریق رفع نشود محال است که باب مکاشفه بر سالک باز شود. (۲۰)

جوع (گرسنگی)

جوع در واقع همان کم کردن غذاست؛ چرا که غذا خوردن بیش از نیاز برای انجام واجبات موجب طغیان جوارح و جوانح انسان شده و او را به سوی کارهای شیطانی و نفسانی می کشاند که رهنز طریقت به شمار می رود. و از جمله گرسنگی های شرعی همان روزه را می توان نام برد که وجود انسان را از بسیاری از رذائل و شهوات خالی می کند. (۳۰)

شب زنده داری (سهر)

برای مناجات با خدا و ایجاد ارتباط با عالم ملکوت که از نتایج مفید جوع می باشد که نقش قابل ملاحظه ای در تزکیه نفس و ریاضت دارد. چنانچه امام صادق (ع) جوع و سهر را از یکی از اسباب زودن حجاب بین خدا و نفس و هوا و هوس می داند. (۳۰)

صمت (کم سخن گفتن)

ملاصدرا در این باب می گوید: حرص قلب برای سخن گفتن بسیار بزرگ و شدید است. معالجه ی چنین حرصی فقط با صمت امکان پذیر است. پس صمت عقل را بارور کرده و تقوا و ورع را جلب می نماید، و با تلقین حکمت بر عقل، زبان را بر تکلم با آن حکمت جاری می سازد. (۲۹)

عزلت (خلوت گزینی): صدرا در این مورد هم اشاره کرده است که سرآمد همه ی امور برای کسی که خداوند به او فطرتی صاف، ذکاوتی شدید، طبعی لطیف، فهمی گیرا و استعدادی فراوان داده، این است که به امور پست دنیوی و جاه طلبی مشغول نباشد، بلکه از اموری که مانع کمالند دوری کند و با خلوت انس گیرد. در این روش، باید به این امور توجه کند: حضور قلب داشته باشد، همتش را جمع، و فکرش را در امور الهی جمع کند و البته باید همه ی علوم مربوط به فهم علمی شریعت و حقایق را کسب نماید.

- تکلیف به قدر توان متربی

در خصوص تکلیف در حیطه ی وسع و توانایی افراد، خداوند در مقام فرا خواندن انسان به تقوا می فرماید: ((تقوا را در حد توان خود رعایت کنید)). (تغابن / ۱۶)، تمام انسان ها از جهت شدت وجودی و ضعف در رتبه ی وجودی با یکدیگر متفاوت اند، بدین ترتیب مدارج و مراحل مختلف پدید می آید و این امر سبب می شود کثرت در جهان نمایان شده و با موجوداتی که از هم متمایزند سرو کار داشته باشیم. از این رو در نظام تربیتی باید به

از تکرار عمل صالح و مداومت بر آن، البته باید آن عمل را آن قدر تکرار کرد و در موارد جزئی که پیش می آید آن را انجام داد تا رفته رفته اثرش در نفس پابرجا بماند. روش فریضه سازی در این راستا می تواند به هویت آدمی ساختی نیکو بخشند. در این روش ابتدا اعمال نیک و تاثیر گذار انتخاب شده و به صورت فریضه در می آیند. (۳)

- محاسبه و مراقبه نفس:

همراهی مراقبه نفس با اصل مداومت در تکرار افعال نیک جهت کسب ملکات حسنه، روش تربیتی و انسان ساز «محاسبه و مراقبه ی تدریجی نفس» را مطرح می نماید؛ مراقبه ای که سرانجام آن نیل به معرفت است و هر چه معرفت شدیدتر شود، شوق به خدای تعالی و حرکت به سوی او شدیدتر می شود و مجاهده و مراقبه نفس در تهذیب و تزکیه بیشتر می گردد. «پس آن معرفت (معرفت ناشی از مراقبه) از حیث علم و ایمان اول و از حیث شهود و عیان آخر است». (۱۸) نزد صدرا بین محاسبه و مراقبه نفس با میزان بصیرت و معرفت هر فرد ارتباطی تنگاتنگ و دوسویه وجود دارد، به نحوی که: «ریاضت و کوشش بدون بصیرت موجب سوء عاقبت و خامت کار انسان می گردد. زیرا نفس، او را به خواطر وهمی تحریک می کند و وسوسه های نفسانی بر او چیره می شود و از آن رو که معرفت به حقایق را به ریاضت و مراقبه مقدم نداشته است. قلبش آشفتنگی و پریشانی پیدا خواهد کرد». (۲۹) وی حال مراقبه کننده بدون معرفت و بصیرت را همانند حال نایبایی می داند که بدون رهبری بینا، راه طی می کند.

- ریاضت

ریاضت نوعی مجاهده و کوشش است به معنای منع خواسته ها و خوشامدها و شامل دو قسم «جسمانی» و «روحانی» است:

- ریاضت جسمانی نیز خود بر دو نوع است:

الف) ریاضت جسمانی خارجی عبارتست از: جنگ و ستیز با دشمنان خدا و یا از دین برگشتگان.

ب) ریاضت جسمانی داخلی نیز دو نوع است: تطهیر بدن از نجاسات ظاهری و اتیان واجبات که یا مالی است یا بدنی. ریاضت مالی یا قابل تکرار است یا غیر قابل تکرار، اما ریاضت بدنی یا مربوط به ترک است و یا مربوط به انجام دادن. ریاضت مربوط به ترک، یا لازم است، مثل روزه یا ترک متعدی است، مانند ترک مردم آزاری از قبیل ترک غیبت و فحاشی. ریاضت مربوط به فعل (انجام دادن) نیز یا لازم است یا متعدی فعل متعدی مانند ذبح قربانی برای مساکین و فعل لازم مانند نماز، ذکر و تسبیح.

ب- ریاضت روحانی نیز بر دو نوع «تزکیه» و «تحلیه» است. منظور از تزکیه رهاشدن از پلیدی های قواست که اصل و مادر همه دل بستگی ها به دنیا و زینت های آن است؛ در واقع تزکیه مربوط به رذائل قوای نفس، مثل نخوت و کبر، رشک و حسد و حرص و آز است و تحلیه مربوط به تحصیل فضائل و معارف نظری است. (شیرازی، ۱۳۶۳: ۶۸۸)

دلیل اصلی اهمیت ریاضت در حکمت این است که از اساسی ترین روش های به ظهور رسیدن توانایی های نفس به شمار می رود، بنابراین از طریق ریاضت، هم حیات عقلی نفس حاصل می

تفاوت‌های انسان‌ها توجه خاص داشت یعنی باید با هر فردی با توجه به ظرفیت وجودی وی برخورد کرد. (۱۹)

-تحصیل حکمت

حکمت در نظام فکری صدرا از دو بعد قابل بررسی و حائز اهمیت است. یکی از منظر احاطه و شمول آن بر کل نظام فکری وی و آنچنان که خود این نظام نوبنیان را حکمت متعالیه می‌نامند. و دیگری از منظر روش تربیتی مبتنی بر معرفت‌شناسی نظام فکری وی. بر این اساس روش تعلیم حکمت به منزله یکی از روش‌های تعلیم و تربیت محسوب می‌گردد چرا که با آموختن حکمت یا علم متین و استوار زمینه‌ساز خردورزی در متریب فراهم می‌گردد چنانکه صدرا خود در تعریف حکمت آن را بر دو امر اطلاق می‌نماید؛ یکی علم تصویری به تحقق ماهیت اشیاء و تصدیق به آن‌ها بر نحو یقین محض و دیگر فعل محکم به اینکه منظم و جامع تام مایحتاج الیه باشد. (۱۴)

-عوامل تربیتی عرفان عملی از دیدگاه ملاصدرا کدامند؟

از جمله مسائل مهم در تعلیم و تربیت، شناخت اموری است که بر این فرایند تأثیری مثبت یا منفی به جا می‌گذارند، از این رو به مواردی که تأثیر منفی در فرایند تعلیم و تربیت می‌گذارند موانع تربیتی و به اموری که تأثیر مثبت بر این فرایند دارند عوامل تربیتی اطلاق می‌شود. در واقع عوامل تعلیم و تربیت اموری هستند، که در تحقق اهداف تعلیم و تربیت موثر می‌باشند.

بنابراین آشنایی با عوامل تربیت عرفانی بخصوص در آغاز سیر و سلوک و تداوم آن، امری ضروری است، مقصود از شرایط و عوامل سلوک عرفانی، امری است که بدون آن‌ها یا اصلا سلوک آغاز نمی‌شود یا تداوم و ثبات نمی‌یابد و یا به انحراف کشیده می‌شود و یا اینکه چنان که بایسته است، نتیجه بخش نخواهد بود. بر این اساس، در ذیل به چند عامل اصلی در عرفان عملی ملاصدرا که موثر جهت وصول به سعادت و کمال نهایی می‌باشد، اشاره می‌گردد:

-حب عبودی

از نظر صدرا عشق و محبت خداوند، در تمام موجودات، حتی جمادات و نباتات ساری است و هر وجود کامل یا ناقصی، به نحو ارادی یا غیر ارادی، عشقی غریزی و ذاتی در جهت مطالبه خداوند دارد. محبت و عشق به پروردگار، خود مولود معرفت است. هر اندازه آشکاری معرفت افزون تر باشد محبت شدت بیشتری می‌یابد و ثمره آن نیز کوشش بیشتر و حرکت قوی تر خواهد بود. هر مقدار کوشش بیشتر معارف و مکاشفات بیشتری نصیب محب می‌گردد. (۲۶)

-تأمل در قرآن کریم

قرآن کریم کلام حق تعالی است و بر اساس اصل تشکیک وجود، بین کلام و متکلم کمال سنخیت وجودی برقرار است، لذا انس با حق و به تبع آن برخورداری از تربیت او در سایه تأمل در قرآن و انس با آن حاصل می‌شود. (۲۶)

بنابراین از جمله راه‌کارهایی که صدرا با یقین به اثر بخشی، آن اشاره می‌کند، تربیت به واسطه ی قرآن است. قرآن به مثابه حبل متینی برای استکمال نفس و نجات و هدایت سالکان قلمداد می‌شود و انسان را به نیکوترین شکل ممکن، هدایت می‌کند. متناسب با

شدت و ضعف انس با قرآن و مراتب و درجات ادراک آن، مراتب تربیت انسان نیز مختلف و پذیرنده شدت و ضعف است. از سخن فوق، سر دعوت به انس با قرآن برای نیل به معرفت و درک حضور حق ظاهر می‌شود؛ چرا که انس با قرآن عنایت الهی را به همراه دارد و آن هنگام که عنایت الهی به مقوله ی تربیت تعلق گیرد، متریب از آن بهره مند می‌شود و لطایف عالم رحمانی و رضوان و هدایای جنان، نصیب او می‌گردد. (۲۰)

-تبعیت از انسان کامل (عالم ربانی)

به عقیده ملاصدرا انسان کامل یا عالم ربانی، انسانی است که به نور هدایت الهی هدایت یافته و اشرف مخلوقات است و خدا او را به قرب خود برگزیده و به خود اختصاص داده است. او انسانی است که از خداست و به سوی او باز می‌گردد. او کسی است که خداوند خمیر مایه جسدش را به دست خود ساخته است. بهترین نعمت‌ها از قبیل تعادل و زیبایی ظاهر و حسن خلق و عدالت را به او عطا کرده و کراماتی همچون خلقت بر صورت رحمن، تعلیم اسماء الهی و مقام خلافت الهی و مسجود ملائکه بودن را به او که انسان حقیقی است؛ داده است. از نظر صدرا انسان کامل به مرحله عقل مستفاد رسیده و از علائق بدنی مجرد شده است. (۱۳)

شایان ذکر است ملاصدرا حقیقت انسان کامل را واسطه در خلق و تجلی ماسوی می‌داند و مصداق زمینی انسان کامل را واسطه بین او و خلق بر می‌شمارد. او می‌گوید خداوند بعد از خلقت عالم، خلیفه ای از نوع بشر در دنیا قرار می‌دهد تا بتواند رابط بین او و خلق باشد. این واسطه همان انسان کامل است، اگر چه در ماهیت انسانی و از لحاظ وجود طبیعی بشری شبیه انسان‌ها است؛ چنانکه از بعد روحانی، واسطه فیض و متصل به لوح محفوظ و قلم الهی است. به عقیده ملاصدرا، همه موجودات در دو سلسله نزول و صعود قرار دارند و سرآغاز این سلسله و اولین صادر، عقل اول و حقیقت محمدیه و اسم اعظم و عقل کلی است. (۱۷)

پس به طور خلاصه باید گفت به عقیده صدرا، نقش انسان کامل و خلیفه الله در نظام خلقت در درجه اول وساطت فیض حق تعالی به موجودات ممکن است. انسان کامل واسطه ای است بین خدا و نظام آفرینش و مجرای وجود رسانی حق به خلق است. او عامل به فعلیت رسیدن استعدادها و مکمل نفوس انسانی است. همچنین او نور هدایت الهی است و چنانکه خداوند نیز در قرآن می‌فرماید: ((بهدی الله لنوره من یشاء)). (نور: ۳۵) و او کسی است که انسان‌ها به واسطه او به صراط مستقیم دست پیدا می‌کنند.

-والدین

به اعتقاد صدرا، افراد، در حفظ زندگی نوعی خود، نیاز به خانواده دارند. انسان برای استمرار حیات خود، نیاز به همسر جهت تکثیر نسل خویش دارد، پس حکمت الهی این گونه اقتضا می‌کند که آن‌ها به سوی هم جلب شوند، از این رو لازم است که زن و مرد قبل از آشنایی با هم، پدر و یا مادری برای فرزند خود انتخاب نمایند که پاک و عقیف بوده و هرزه و آلوده به گناهان نبوده و یا کسی نباشد که فضیلت‌های اخلاقی را در خود به وجود نیاورده است. وی علت این امر را چنین می‌فرماید: خداوند به حکمت خود از نطفه، بدن تیره به وجود می‌آورد و از لطافت نطفه قلب لطیف و از قلب روح

بنابراین متعلم باید همواره در پی فعلیت بخشیدن به وجودهای خود باشد و نه اینکه صرفاً به اکتساب الفاظ و عبارات و اعمالی که تپی از علم و معرفت هستند و او را به سر منزل مقصود نرسانند بپردازند. برای این منظور متعلم باید پاکی نفس از اخلاق زشت و صفات نکوهیده را بر دیگر امور مقدم دارد؛ زیرا نفس هم توانایی اکتساب صفات نیک و هم زشت را دارد و در صورت گرایش نفس به صفت زشت و نکوهیده، چیزی از علم حقیقی را درک نخواهد کرد، همچنین علاقه و وابستگی خود را از سرگرمی های دنیوی مانند خانواده و فرزند، وطن، ثروت و مقام کم کند و هدفش تنها یک چیز باشد، و گر نه فکری پراکنده و مشوش خواهد داشت و در نتیجه به میوه حقیقی معرفت نمی رسد. (۴)

- عبادات و ریاضات شرعی

از نظر صدرا افعال و مناقب عملی، مانند اعمال فکری و مناقب علمی، در استکمال نفس موثرند. افعال بدنی همان آداب شرعی و دستورات دینی است که با عنوان فرائض و نوافل، ابلاغ شده است و مناقب علمی تسخیر قوای شهوی، غضبی و ادراکی است به این معنا که نفس در قوای مذکور، بین اخلاق متضاد، حد وسط را رعایت کند مثلاً در مورد قوه غضب بین آنچه او را به غضب می آورد (خشم) و آنچه غضب را از بین می برد (ترس) حد تعادل را رعایت کند و نسبت به این امر تسلط داشته باشند. وی تسخیر و تسلط بر قوا را عدالت می نامند.

به اعتقاد صدرا اعمال و افعال انسان در قالب عبادات شرعی با سه هدف وضع شده اند: نخست: قطع توجه از مساوی الله است؛ نفس به واسطه عبادات از هر خاطری که او را به سوی غیر حق متمایل سازد پرهیز می کند. هدف دوم استخدام قوای مادی و غیر مادی در امور مناسبی است که برای آن خلق شده اند. از این طریق، قلب از دل بستگی به عالم غرور و نیستی رها شده، به سوی حق می رود غرض سوم، تلطیف سر و تصقیل درون است تا نفس همچون آینه ای صاف تجلیات و افاضات ربانی را دریافت نماید. فکر لطیف و عشق عقیق، نفس را برای رسیدن به این غرض یاری می دهد. صدرا در اسفار اربعه، مقصود تمام طاعات و اعمال جوارچی را تصفیه دل و تطهیر آینه نفس می خواند. نفس از طریق اصلاح جزء عملی، آماده تحصیل انوار ایمانی و اشراق نور معرفت الهی می شود.

- حکمت و حریت

در نگاه ملاصدرا نفس شریف و قوی، نفسی است که در حکمت و حریت؛ شبیه مفارقات باشد. نفسی که در احکام و قضایای مختلف؛ آراء صحیحی را اتخاذ نماید واجد صفت حکمت است. این صفت هم تحصیلی است و هم فطری؛ لذا انسان ها در این صفت، مراتب مختلفی دارند و درجه عالی آن نفس قدسی پیامبر (ص) است. حریت نیز به معنای آزاد و رها بودن از اسارت امور مادی و لذائذ حیوانی در مقابل بندگی و عبودیت دنیاست. تمام فضائل نفسانی، به این دو فضیلت و تمام اخلاق پلید، بر اضداد این دو صفت باز می گردند. تزکیه نفس از بعضی رذائل رفتاری، برای سعادت نفس کافی نیست و صفای قلب تنها با رفع تمام رذائل محقق می گردد. چرا که تنها برخی از این صفات برای چیرگی بر نفس کفایت می کنند. (۳۱)

را به وجود می آورد، روحی که، در لطافت هم چون افلاک است و از اختلافی که موجب تباهی و نیستی گردد، به دورند. در واقع مراد وی از این بحث بیان چگونگی به وجود آمدن روح در فرزند، می باشد. از این رو والدین در نوع رفتار خود باید دقت نمایند، که اگر آن ها دارای رفتارهای زننده یا نیکو باشند، فرزند آن ها به نوع تکوینی از رفتارشان در دوران جنینی متأثر خواهد شد، همچنین وظیفه والدین را در تربیت فرزندان از دوران شکل گیری نطفه تا به بلوغ رسیدن و بزرگ شدن آن ها می داند و می نویسد: « در حقیقت ایجاد نطفه در رحم مادران، سپس تکمیل و رساندنشان با راهنمایی و تبلیغ به درجه بلوغ معنوی و انتقالشان به جهان بازپسین چنان است که کشاورزی تخمی می کارد و به خاطر رشد و نمو آن و رساندنش به درجه کمال آن را آبیاری و مواظبت می کند (۱۹)

- معلم

صدرا در آثار مختلف خود برترین علوم را علم به خدا، فرشتگان و رسولان او و علم به راه هایی که منتهی به این علوم می شود می داند، این علوم برتر هم از جهت موضوع یعنی ذات الهی و پس از آن علم به جواهر و حقایق فرشتگان و قلم اعلاء و لوح محفوظ و کتاب های ارجمند که از آلودگی ها دور هستند و نیز رسولانی که مبرا از گناه و وسواس هستند، و هم از جهت دلیل، چون که از علوم لمیات ضروری و پایدارند و بستگی به زمان و یا وصف و شرط ندارند و هم از لحاظ نتیجه، که چیزی جز سعادت حقیقی اخروی (دیدار الهی و همسایگی با پاکان، و هم صحبتی با مقربان او) نیست، بر سایر علوم اشرف و ارحم هستند و آن ها را علوم حقیقی به شمار می آورند. لذا از دیدگاه ملاصدرا، معلم واقعی معلمی است که در راستای علوم حقیقی سیر نماید. از این رو، معلمانی که در مرتبه بالای سلسله مراتب قرار می گیرند به جز پیامبران الهی، شامل کسانی هستند که با سختی و رنج و مشقت فراوان عوالم سه گانه و طبیعت را سیر کرده و به عالم مثال، عالم عقل و درک آن راه یافته اند، اینان به دلیل اشتداد وجودی و علمی خود و در نتیجه به فعلیت رساندن قوای نفس ناطقه خویش در مرتبه عالی قرار گرفته اند؛ زیرا در معرفت شناسی صدرا، تفکر بدون سیر آفاق و انفس، مانع از پرورش فرد متفکر و با معرفت حقیقی می شود. (۱۸)

- متعلم

مطابق با نظام تربیتی ملاصدرا، متعلم یا طالبان علم به دو گروه تقسیم می شوند: گروهی طالب علوم حقیقی یا مطلوب بالذات یا اخروی هستند و اینان را متعلمین حقیقی می توان برشمرد که با تعالی یافتن در قوس صعودی معرفت به کمال حقیقی می رسند، اما گروهی که طالب علوم دنیوی یا مطلوب بالغیر هستند که خود دو گروهند؛ کسانی که می آموزند و آشکارا در طلب دنیا هستند و اینان پیروان سلاطین و پادشاهانند و دوم کسانی هستند که می آموزند و در باطن به دنبال قبول خلق و به دست آوردن مقام هستند، هر چند در ظاهر مردم را به آخرت خوانند. بنابراین از دیدگاه صدرالمتألهین طالبان علم و معرفت یا موجب کمال خود و دیگران را فراهم ساخته؛ یا دیگران را به کمال راهنمایی و خود را هلاک و یا هم خود و دیگران را به هلاکت می اندازند. (۴)

جدول ۱. ارتباط بین اصول و روش ها در الگوی تربیتی عرفان عملی ملاصدرا

اصول	روشها
دستیابی به معرفت نفس	درون نگری
رهایی قلب از لذات و تعلقات مادی	ذکر خدا - رفع خواطر از قلب
نگرش به تلازم بهره گیری از ادله سه گانه در برهان، عرفان و قرآن	وصول به حقیقت
تجلیه (تهذیب ظاهر)	عادت فعال (تلقین به نفس - تحمیل به نفس)
تخلیه (تحول باطن)	اعطای بینش
مداومت بر افعال نیک	فریضه سازی - مراقبه و محاسبه
جهت حصول ملکات	نفس
حسنه	
اعتدال	ریاضت
تدریجی بودن مراحل کمال	-
نفس	
عدالت تربیتی	تکلیف به قدر توان متربی
خردورزی جهت تعالی	تحصیل حکمت
وجودی متربی	

جدول ۲. عوامل موثر در الگوی تربیتی عرفان عملی ملاصدرا

حب عبودی
تامل در قرآن کریم
تبعیت از انسان کامل (عالم ربانی)
والدین
معلم
متعلم
عبادات و ریاضات شرعی
حکمت و حریت
علم و معرفت

References

- Fanaei Eshkevari, Mohammad, 2013, The place of mysticism and Sufism and its promotion in contemporary Iran, Quarterly Journal of Religious Thought, Shiraz University, Volume 13, Number 46
- Fanaei Eshkevari, Mohammad, 1390, Philosophy of Practical Mysticism, Esraa Quarterly, Volume 4, Number 1
- Babazadeh, Tahereh (2013). An Analysis of Educational Goals and Methods Based on Self-Perfection from Mulla

ملاصدرا حصول حکمت و حریت را بسته به تحصیل خلق و خوی نیکو می داند و برای ایجاد خلق و خوی نیکو، چهار نیرو را معرفی می کند که اعتدال آن ها آراستگی باطنی را در پی دارد. این چهار قوه عبارتند از نیروی علم، نیروی غضب، نیروی شهوت و نیروی عقل، اعتدال در علم به معنای تمایز صدق و کذب گفته ها و حق و باطل باور هاست، اعتدال شهوت و غضب که با اجرای دستورات شریعت حاصل می شود عفت و شجاعت نام دارد. اعتدال در عقل، به نیکویی در تدبیر و روشنایی ذهن و پی بردن به دقایق اعمال است. عدالت پیشگی اخلاق، در این است که نفس بین اخلاق متضاد جسمانی و بین خواستن و نخواستن، حد وسط را رعایت نماید و نتیجه آن عدم انفعال از بدن و قوای مادی است.

- علم و معرفت

صدرا، تمام نفوس بشری را تلفیقی از چهار دسته از قوای نفس، به نام های حیوانی (بهیمیت)، درندگی (سبعیت)، شیطانی و ملائکه ای می داند و می گوید: از هر دسته از این قوا، صفات خاصی چون شهوت، حسد، تکبر و طهارت صادر می شود. سه دسته اول، جنود شیطان هستند و از هنگام کودکی به ترتیب بر قلب مستولی شده، با نفس انس می گیرند، اما دسته چهارم، لشکر ملائکه است و از هنگام بلوغ شکل می گیرد و در چهل سالگی کامل می گردد. صحرای نفس، صحنه کارزار جنود شیطانی و جنود الهی است. در این معرکه نبرد اگر عقل ضعیف باشد شکست می خورد و جنود شیطان بر استقرار خود در نفس دوام می بخشند و چنین انسانی با اهریمنان محشور خواهد شد؛ اما اگر عقل با نور علم و ایمان قوی شده باشد بر قوای شیطانی مسخر شده و در سلک ملائکه در می آید، بنابراین در حرکت جوهری نفس که صدرا آن را به کارزار سربازان شیطان و ملائکه تشبیه کرده است نفوسی به تکامل و صعود دست می یابند که با ابزار علم و ایمان به تقویت قوای عقلانی پرداخته باشند. (۳۱) بر این اساس، به اعتقاد ملاصدرا تمامیت و کمال نفس، تنها به علم و معرفت است و بدون شک برترین چیزی که متعلق علم قرار می گیرد، حضرت بار تعالی است؛ پس کمال نفس، در علم به خداوند است و برترین مردم کسانی هستند که زندگی خود را در آبادانی قلب به وسیله ذکر خداوند گذرانده اند؛ وی برترین علوم مکاشفه را در معرفت به خداوند می داند که خود؛ ذاتا هدف است نه ابزار. (۱۸)

نتیجه گیری

عرفان عملی یا سیر و سلوک عرفانی، در حقیقت برنامه ای تربیتی است و برای تربیت فرد، گام به گام طراحی ها و دستور العمل های لازم را ارائه داده است و هدف اصلی تربیت در بعد عرفانی رسیدن به کمال نهایی انسان که همان قرب الهی است می باشد، هدف پژوهش حاضر تبیین و شناسائی اصول، روش ها و عوامل موثر در سبک ها و الگوی تربیتی عرفان عملی ملاصدرا بود. بدین ترتیب از تفسیر آثار و تالیفات مرتبط با عرفان عملی ملاصدرا. که به روش توصیفی و تحلیلی از نوع تحلیل مفهومی انجام گرفت، چندین اصل، روش و عامل تربیتی استخراج شد. که مهمترین اصول، روش ها و عواملی که می توان در سبک و الگوی تربیتی عرفان عملی ملاصدرا اشاره نمود در قالب جداول ذیل ارائه می شود:

14. Shirazi, 1411, Tafsir al-Quran al-Karim, vol. 6, edited by Mohammad Khajavi, Qom
15. Shirazi, 1999, The Transcendent Wisdom in the Four Mental Travels, Vol. 3, translated by Mohammad Khajavi, Tehran, Molly
16. Fanaei Eshkevari, Mohammad, 2006, The transcendent unity of the scholars of knowledge among the scholars of the Isfahan school, Proceedings of the International Conference of Cordoba and Isfahan, Tehran, University of Tehran
17. Shirazi, 2001, The Transcendent Wisdom in the Four Mental Travels, Volumes 7 and 8, edited by Seyyed Mohammad Khamenei, edited by Maghsoud Mohammadi
18. Shirazi, 2002, Asnam al-Jahiliyah fraction, correction and introduction by Mohsen Jahangiri, Tehran, Sadra Hekmat Foundation
19. Sharifani, Mohammad (2009). A Study of the Principles, Objectives, Principles and Methods of Human Education Based on Mulla Sadra's Essential Movement and Application of These Findings to Religious Texts, PhD Thesis in Philosophy of Education, Shiraz University
20. Shirazi, 1984, Mafatih al-Ghayb, edited by Mohammad Khajavi, Cultural Research Institute
21. Shirazi, 1982, Al-Arshieh, edited by Gholam Hossein Ahani, Tehran, Molly
22. Rashidi Ahmadabadi, Razieh (2008). Philosophical Foundations of Education and its Relation to Aesthetics and Cultural Developments from Mulla Sadra's Perspective, Master Thesis in Philosophy and Islamic Theology, University of Isfahan
23. Khosrownejad, Morteza; Sharifani, Mohammad; Qomi, Mohsen (2008). Theory of substantive movement of philosophical and educational consequences, Quarterly Journal of Sadra's Perspective, Islamic Education Research Quarterly, Year 8, No. 16
4. Shirazi, 2004, The Transcendent Wisdom in the Four Mental Travels, Volumes 8 and 3, Correction and Introduction by Ali Akbar Rashad, Tehran, Sadra Wisdom Foundation
5. Nasafi, Aziz al-Din (1379). The Perfect Man, edited by Marijan Molla, translated by Seyed Zia-ud-Din Dehshiri, 5th edition, Tehran: Tahoori
6. Amin al-Roaya, Meraat; Arasteh, Amirjavan; Afrasiabpour, Ali Akbar; Khosravi, Hossein (1398), Mystical education from the perspective of Allameh Tabatabai, Islamic mysticism quarterly, year 15, number 59
7. Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi (2011). In Search of Islamic Mysticism, Qom, Imam Khomeini Institute of Education and Research
8. Fanaei Eshkevari, Mohammad (2010), The Transcendent Mysticism (Mulla Sadra's Mystical Perspective and Position), Sadra Microname, No. 62
9. Bagheri, Khosrow (1398). A look at Islamic education, Tehran, Madrasa Publications
10. Haghi, Ahmad (2017). Presenting and explaining the model of moral education based on the theory of credits Allameh Mohammad Hossein Tabatabai, Shahid Chamran University of Ahvaz, PhD thesis in philosophy of education
11. Shirazi, 2004, Explanation of Al-Kafi Principles, Volume 2, edited by Mohammad Khajavi, Tehran, Institute of Cultural Studies and Research
12. Shirazi, 1981, Asrar al-Ayyat, edited by Mohammad Khajavi, Tehran, Iranian Society of Wisdom and Philosophy
13. Shirazi, 1989, The Transcendent Wisdom in the Four Mental Travels, vols. 9, 1, 5, 8 and 7, Qom, Al-Mustafawi School, Islamic Dar Al-Ma'arif

Religious Thought, Shiraz University, No. 29

24. Shirazi, Mohammad Ibn Ibrahim (1992). *The Keys of the Unseen*, Introduction and Correction by Mohammad Khajavi, Tehran, Molly Publications

25. Shirazi, 1983, *Interpretation of the verse of light*, edited by Mohammad Khajavi, Tehran: Molly

26. Ghorbani, Rahim (2008). *Methods of self-cultivation according to Mulla Sadra*, *Journal of Knowledge*, No. 128

27. Shirazi, 1379, *Tafsir al-Quran al-Karim*, vols. 2, 4 and 7, edited by Mohammad Khajavi, Qom, Bidar, 3rd edition.

28. Kazem Farahzadi, Atieh (2013). *Foundations and Criteria of True Mysticism from the Perspective of Mulla Sadra and Allameh Tabatabai*, Master Thesis in Philosophy and Islamic Theology, Faculty of Theology, Philosophy and Theology, Al-Zahra University

29. Shirazi, 1987, *Description of Al-Kafi Principles*, Vol. 1, edited by Mohammad Khajavi, Tehran, Institute of Cultural Studies and Research

30. Ibn Arabi, 1405, *The Conquests of Mecca*, Volume 1, Research by Uthman Yahya, Cairo

31. Shirazi, Mohammad Ibn Ibrahim (1981) *The Transcendent Wisdom in the Four Mental Journeys*, Volumes 3, 8 and 9, Beirut: Dar Haya Al-Tarath